\_ ٢٩ای مفتون حقیقت و منجذب ملکوت الله نامه مفصل رسید و از تلاوتش نهایت سرور حاصل گردید زیرا دلیل جلیل بر علو همت و سمو نیت بود که الحمد لله خیر خواه عالم انسانی و منجذب ملکوت بهائی و مفتون ترقی عالم بشری هستی امیدوارم که بسبب این افکار عالیه و انجذابات وجدانیه و بشارات ملکوتیه چنان روشن گردی که بپرتو محبت الله بر اعصار و قرون بتابی مرقوم نموده بودی که شاگرد مدرسه ترقی روحانی هستی خوشا بحال تو اگر مدارس ترقی بمدرسه کلیه ملکوت منتهی گردد علوم و معارفی حاصل شود که انسان لوح منشور امکانرا نامتناهی بیند و جمیع کائناترا حروف و کلمات مشاهده کند و درس مقامات معنوی خواند آیات توحید در ذرات کائنات بیند و نداء رب الملکوت بشنود و تأییدات روح القدس مشاهده نماید و چنان وجد و طرب یابد که در عرصه و سیع امکان نگنجد آهنگ ملکوت کند و بجهان لاهوت شتابد هر مرغی چون پر برویاند در زمین استقرار نیابد باوج اعلی پرواز نماید مگر مرغانی پا بسته و یا بال و پر شکسته و یا آلوده بآب و گل نموده ‌ای حقیقت جو جهان ملکوت یکیست نهایت آنست که بهار تجدد نماید و در کائنات حرکت و جنبشی جدید و عظیم بنماید کوه و دشت زنده شود درختان تر و تازه گردد و برگ و شکوفه و ثمر بطراوتی بی‌اندازه جلوه نماید لهذا ظهورات سابقه با ظهورات لاحقه نهایت ارتباط دارد بلکه عین یکدیگرند اما کون که ترقی نماید شعاع شدیدتر است و فیض عظیمتر و آفتاب در دائره نصف نهار جلوه نماید ای طالب ملکوت هر ظهوری جان عالم است و طبیب حاذق هر دردمند عالم بشر مریض است آن طبیب حاذق علاج مفید دارد و بتعالیم و وصایا و نصایحی قیام نماید که درمان هر درد است و مرهم هر زخم البته طبیب دانا احتیاجات مریض را در هر موسمی کشف نماید و بمعالجه پردازد لهذا تعالیم جمال ابهی را تطبیق بلوازم و احتیاجات زمانه نما ملاحظه مینمائی که جسم مریض جهانرا علاج برء الساعه است بل دریاق شفای ابدیست و معالجه اطبای حاذق سلف و خلف نوع واحد نیست بلکه بمقنضای مرض مریض است هر چند علاج تغییر و تبدیل یابد ولی کل بجهت صحت مریض است در ظهورات سابقه جسم علیل عالم تحمل علاج قوی فائق نداشت اینست که حضرت مسیح فرمود امور بسیاریست که لازمست بیان شود و لکن حال شما نتوانید استماع نمود و لکن چون آن روح تسلی دهنده که پدر میفرستد بیاید حقیقت را از برای شما بیان کند لهذا در این عصر انوار تعلیم خصوصی عمومی گردید تا رحمت پروردگار شرق و غرب را احاطه نماید وحدت عالم انسانی جلوه کند و نورانیت حقیقت جهان وجدانرا منور نماید نزول اورشلیم تازه شریعتی است آسمانی و کافل سعادت عالم انسانی و جلوه نورانیت عالم الهی عما نوئیل فی الحقیقه مبشر برجوع ثانی حضرت مسیح بود و منادی طریق ملکوت این معلومست که حرف عضوی از اعضای کلمه است این عضویت عبارت از استفاضه است یعنی این حرف مستفیض از کلمه است و ارتباط روحانی بکلمه دارد و جزء او محسوب میشود حواریون بمنزله حروف بودند و حضرت مسیح جوهر کلمه و معانی کلمه که فیض ابدیست پرتوی بر آن حروف افکنده بود و چون حرف عضوی از اعضای کلمه است لهذا معنا مطابق کلمه است امیدواریم که آنچه جناب عما نوئیل بشارت داده امروز تو بآن قیام نمائی و یقین بدان که موفق میشوی زیرا تأییدات روح القدس پیاپی میرسد و قوت کلمه چنان نفوذ کند که حرف آئینه مجلای آفتاب کلمه شود و فیض و انوار کلمه جهانرا روشن نماید اما اورشلیم آسمانی که در قطب امکان استقرار یافته و قدس الأقداس ربانی که علم افراخته جامع جمیع کمالات و تعالیم سابقه است و از آن گذشته منادی وحدت عالم انسانیست و علم صلح عمومی و روح حیات ابدیه و نور کمالات الهیه و فیض محیط عالم آفرینش و زینت و آرایش آفرینش و سبب آسایش عالم بشر است بالواح مقدسه مراجعت نمائید اشراقات و تجلیات و کلمات و بشارات و طرازات و کتاب اقدس ملاحظه مینمائید که این تعالیم الهیه الیوم درمان درد عالم انسانیست و مرهم زخم جسد امکانی روح حیاتست و سفینه نجات و مغناطیس عزت ابدیه و قوه نافذه در حقیقت انسانیه \*